یادداشت

زنجیر گسیخته و حلقه‌های مفقوده

اردشیر زارعی‌قنواتی

بحران اقتصادی در اتحادیه اروپا و منطقه یورو به یک داستان دنباله‌دار تبدیل شده است که به نظر نمی‌رسد فعلاً تمامی داشته باشد. هر چند با ارائه کمک‌های مالی اتحادیه و صندوق بین‌المللی پول به ازای در پیش گرفتن سیاست ریاضت اقتصادی در یونان گفته می‌شود که این کشور از مرحله حاد بحران عبور کرده است اما اعلام کسری بودجه بالای ۱۳ درصدی توسط دولت «جرج پاپاندرئو» نخست‌وزیر این کشور نشان می‌دهد که بحران اقتصادی در منطقه یورو یک بحران ساختاری است که با نسخه‌های آنتی‌بیوتیکی درمان نخواهد شد. اروپایی که هنوز از شوک یونان خلاصی نیافته بود هم‌اکنون با بحران مشابهی در جمهوری ایرلند روبه‌رو شده است. در هفته‌های اخیر تمام تلاش اتحادیه اروپا و منطقه یورو به رسیدگی بحران در ایرلند و نسخه‌پیچی برای کسری بودجه‌ای حدود ۳۲ درصد تولید ناخالص ملی و ورشکستگی بانک‌های این کشور اختصاص یافت. این در حالی است که در ماه آگوست میلادی کارشناسان اقتصادی با خوش‌بینی اعلام کرده بودند بحران مالی جهانی در حوزه اقتصادی یورو سپری شده است. روز دوشنبه ۹ آگوست موسسه پژوهشی «سنتیکس» نتایج یک نظرسنجی با مراجعه به ۸۰۰ شخصیت حقیقی و حقوقی سرمایه‌گذار در بورس را منتشر کرد که در آن آمده بود وضعیت اقتصادی حوزه یورو به وضعیت آستانه ۲۰۰۸ شبیه است که هنوز نشانه‌های رکود در منطقه یورو مشاهده نشده بود. شاید یکی از عوامل گمراهی در برآورد موقعیت، ناشی از عدم پذیرش بحران اقتصادی در ایرلند توسط دولت ائتلافی این کشور بود که هم‌اکنون با ترکیدن حباب‌های آن تمام خوش‌بینی‌های قبلی را نقش بر آب کرد. روز یکشنبه ۲۱ نوامبر با اعلام موافقت دولت ایرلند برای پذیرش کمک‌های اقتصادی اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول، این کشور نیز در وضعیت مشابه با یونان در زمان بحران اقتصادی قرار گرفت. اعلام موافقت دولت «برایان کوون» با پیشنهاد کمک‌های مالی بلافاصله با عکس‌العمل وزرای دارایی اتحادیه اروپا روبه‌رو شد و آنان در بیانیه خود موافقت با درخواست ایرلند را «در خدمت تامین ثبات مالی اتحادیه اروپا و حوزه یورو» توصیف کردند. گفته می‌شود میزان این کمک‌ها به ۱۲۴ میلیارد دلار می‌رسد و در مقابل دولت یونان متعهد خواهد شد سالانه حدود ۱۵ میلیارد یورو در بخش هزینه عمومی و اجتماعی خود صرفه‌جویی کند. در کمتر از چند ساعت پس از موافقت دولت برایان کوون با پیشنهادات کمک مالی، ابتدا «جان گرملی» رهبر حزب سبز و شریک ائتلافی در دولت، ضمن انتقاد از این تصمیم و طرح چند تقاضا، درخواست برگزاری انتخابات پیش از موعد را مطرح کرد. همچنین «جو هیگینز» نماینده سوسیالیست پارلمان ایرلند پا را از این هم فراتر گذاشت و ضمن اشاره به گفته‌های گزارشگر تلویزیون دولتی ایرلند مبنی بر اینکه ما همه گروگان بازارهای بورس هستیم، می‌گوید: «آیا گروگانگیری یک

جنایت عظیم علیه بشریت نیست، آیا به خاطر همین نیست که شما حاضر نیستید باجی که گروگانگیران از شما طلب می‌کنند، پرداخت کنید.» به نظر می‌رسد طی روزهای آینده اعتراض و اعتصابات گسترده‌ای در ایرلند در مخالفت با تصمیم دولت مبنی بر پذیرش کمک‌های مالی در ازای برنامه‌های ریاضت اقتصادی برگزار شده و این کشور نیز همچون یونان دستخوش بی‌ثباتی سیاسی شود.تحلیل بحران‌های سریالی در منطقه یورو به صورت انتزاعی و مجرد یک ارزیابی گمراه‌کننده و ذهنی است که با واقعیات عینی مطابقت ندارد. رهبران منطقه یورو هنوز نمی‌خواهند بپذیرند که بروز بحران در حوزه‌های ملی نشانه ضعف و یک بیماری ساختاری است که به تدریج به سمت حلقه‌های ضعیف‌تر چون اسپانیا، پرتغال و ایتالیا در حرکت است. در منطقه یورو قوانین واحدی حاکم است که بدون در نظر گرفتن شرایط و وضعیت متفاوت اقتصادی کشورهای عضو، به بهای دخالت بیرونی و نسخه‌پیچی‌های واحد سعی در درمان بیماری دارد. یورو از عدم توانمندی دیگری نیز رنج می‌برد که ناشی از افول قدرت رقابت در مقابل ارزهای ملی دیگر قدرت‌های نوظهوری چون چین، هند و برزیل که در موقعیت شکوفایی اقتصادی قرار دارند، خواهد بود. در ساخت درونی منطقه یورو نیز یک عدم هارمونی به لحاظ اقتصادی وجود دارد که اقتصادهای صادرات‌محور چون آلمان را در تقابل با اقتصادهای مصرفی‌تر چون یونان، ایرلند، پرتغال و اسپانیا قرار می‌دهد. این موضوع به این مفهوم است که زمانی که ارزش یورو سقوط می‌کند جهش صادراتی آلمان و به تبع آن رونق اقتصادی ساختار ژرمنی اوج می‌گیرد و در مقابل با سقوط ارزش یورو توان مالی و قدرت گردش پولی حلقه‌های ضعیف‌تر کاهش محسوسی به خود می‌گیرد و موجب افزایش کسری بودجه دولتی می‌شود. به جهت همین عوامل پارادوکسیکال پول واحد اروپایی حتی با تزریق وجه معتنابهی از پول به درون بازار در کشورهایی چون یونان و ایرلند نیز به ساحل آرامش نخواهد رسید. سیاست اعطای کمک‌های مالی به اقتصادهای در حال بحران در ازای پذیرش سیاست‌های ریاضت اقتصادی نه‌تنها اصل موضوع را حل نمی‌کند که حتی با دامن زدن به بحران‌های اجتماعی و بروز نارضایتی اکثریت طبقات اجتماعی، می‌تواند شکاف دولت- ملت را در مدرن‌ترین حوزه تمدنی جهان معاصر نیز تشدید کند. بزرگ‌ترین زیان دیدگان و قربانیان این معادله چندمجهولی بدون شک طیف‌ها و طبقاتی هستند که تاکنون از سوبسیدهای دولتی در دولت رفاه کینزی بهره برده‌اند و بورس‌بازان و بانکداران به عنوان مسببان این وضعیت بحرانی دقیقاً همان گروه‌هایی هستند که بار دیگر باخت سنگین خود در قمار جنون آمیز را از جیب مالیات‌دهندگان و بودجه‌های دولتی جبران می‌کنند.

گفت‌وگوی شرق‌الاوسط با سعد حریری نخست‌وزیر لبنان

آشپزی، موتورسواری و نخست‌وزیری

ترجمه: محمدعلی عسگری

این گفت‌وگو در شرایطی منتشر می‌شود که سعدالدین حریری نخست‌وزیر کنونی لبنان و فرزند رفیق حریری نخست‌وزیر فقید این کشور میهمان جمهوری اسلامی ایران است. سفر او به ایران در راستای تقویت روابط دوجانبه و کمک به حفظ آرامش و ثبات لبنان ارزیابی می‌شود. وی در این گفت‌وگو از وضعیت کنونی کشورش و نیاز مبرم گروه‌ها به وحدت می‌گوید و در پایان به علایق شخصی خودش می‌پردازد که برای شناخت شخصیت و دیدگاه‌های وی مفید می‌تواند باشد.

– احساس شما نسبت به وضعیت فعلی لبنان چیست؟

لبنان کاملاً عوض شده است. پس از چهار سال که از جنگ ۲۰۰۶ با اسرائیل می‌گذرد و پس از خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیمی که از نظر مالی و جانی بر ما وارد شد دوباره این کشور دارد نفس تازه‌ای می‌کشد. مشکل اصلی که ما با آن درگیر هستیم یعنی در کل منطقه، فقدان یک روند صلح واقعی است. به اعتقاد من این مشکل اصلی منطقه خاورمیانه است. بسیاری درباره اسلحه و قاچاق آن و... صحبت می‌کنند ولی آیا یک روند صلح همه‌جانبه‌ای وجود دارد که ما از این امور حرف می‌زنیم؟ آیا در گذشته هم ما درباره این مسائل حرف می‌زدیم؟ اگر می‌توانستیم در سال ۱۹۹۱ در مادرید به یک توافق برای ایجاد صلح برسیم هیچ کدام از این مشکلات را امروز نداشتیم. اگر در دهه ۹۰ قرن گذشته ما صلح را برقرار کرده بودیم هرگز به این نقطه‌ای که الان هستیم نمی‌رسیدیم. در گذشته نه سازمان القاعده‌ای وجود داشت نه گروه‌های افراط‌گرای دیگر. اما امروز نگاه کنید که پس از ۱۹ سال ما در چه وضعیتی هستیم. سوال من این است که اگر ما براساس کنفرانس مادرید یا پیشنهاد صلح عربی (سال ۲۰۰۲) به سوی یک صلح همه‌جانبه نرویم ۱۰ سال بعد وضع ما چگونه خواهد بود؟ آیا همه این موضوع را درک می‌کنند که چگونه افراط‌گرایی در این منطقه در حال رشد است؟

– آیا غرب این مساله را می‌فهمد؟

به اعتقاد من جامعه بین‌المللی احتیاج به یک بیداری و هوشیاری دارد، باید از خواب بیدار شود. الان وقت آن است که در راه صلح گام برداشته شود و همه می‌دانند این وظیفه امروز ماست.

– الان این مساله به نظر شما چگونه است؟ و با توجه به فشارهایی که متوجه شماست می‌توانید با این مساله برخورد مناسبی داشته باشید؟

در حقیقت همه همین سوال را از من می‌پرسند. من احساس نمی‌کنم تحت هیچ گونه فشاری هستم. اما این برهه مملو از چالش‌های متعددی است و یک دوران دشوار تلقی می‌شود. آن چیزی که دغدغه اصلی من است حفظ این کشور است. حفظ وحدت لبنانی‌ها کاری بی‌نهایت سخت خواهد بود. اما من باید این ماموریت را به انجام برسانم. باید مثل اسفنج نرم باشم تا بتوانم همه اتفاقاتی را که می‌افتد در خود جذب کنم. کمااینکه باید بتوانم از لابه‌لای این غباری که وجود دارد و مرا احاطه کرده است دیدگاه روشنی ارائه دهم و همچنان پابرجا بمانم و به مسیر خودم ادامه دهم. در این صورت همه چیز آسان خواهد شد. هیچ کسی موفقیت را در یک سینی نقره‌ای تقدیم ما نمی کند و این امر جز با زحمت فراهم نمی‌شود.

– پیوسته لبنان پر از حوادث سیاسی بوده است برای همین بعضی وقت‌ها دشوار خواهد بود که بدانی در این لحظه واقعاً بحرانی فوق‌العاده در کار است یا در این باره اغراق می‌شود؟

به اعتقاد من آن چیزی که انسان احتیاج دارد دیدن پشت حوادثی است که الان می‌گذرد. اگر تلاش کردی ماورای این حوادث را ببینی اوضاع بر وفق مراد خواهد بود. در برخی اوقات این کار دشوار خواهد بود زیرا همه جا را دود گرفته است اما من اعتقاد دارم تاکید و پافشاری تو برای دیدن حقیقت می‌تواند ثمربخش باشد.

– آیا منظور شما در این لحظه مسائل مربوط به دادگاه بین‌المللی و تهدید یا جدالی که درباره محاکمه شاهدان دروغین وجود دارد؟

به پشت این قضایا نگاه کنید. به نظر من این مساله مهم است. نحوه حفظ وحدت لبنان برایم اهمیت بیشتری دارد. شهروندان نگران هستند و گاه همه از این شکاف‌هایی که به وجود آمده، می‌هراسند. اما باید فکر درستی داشت و دید چگونه می‌توان وحدت لبنان را حفظ کرد و از وقوع درگیری‌های طایفه‌ای پرهیز کرد. به اعتقاد من لبنانی‌ها نقاط مشترک بسیاری دارند که بیش از اختلافات‌شان است. این اشتباه است که در دام این اختلافات بیفتیم. ما باید بر این نکات مشترک تاکید کنیم و این کار آسانی نیست. با وجودی که من بعضی وقت‌ها آرمانی و خوش‌بین جلوه می‌کنم ولیکن به این حرف پدرم اعتقاد دارم که می‌گفت: «در هر چیز بدی یک بخش خوب هم وجود دارد و به زودی این بخش آشکار می‌شود. همیشه فردایی هست.» برای همین به این مساله ایمان دارم که دست‌هایی مطمئن لبنان را نگه خواهد داشت.

– بسیاری از این تناقض حرف می‌زنند که از یک طرف شما در پی تحقق عدالت هستید که خیلی‌ها بر سر آن اختلاف دارند و از طرف دیگر باید نخست‌وزیر همه باشید. چطور می‌توانید این تناقض را با هم جمع کنید؟

من سعی می‌کنم عدالت را برای کشورم به ارمغان آورم. هیچ کسی نمی‌تواند پدرم را دوباره زنده کند. سعی می‌کنم اجازه ندهم بعضی از چنگ عدالت بگریزند یا از زیر بار مسوولیت اعمالی که باید انجام دهند شانه خالی کنند. در نهایت آری، می‌دانم که شکاف‌هایی وجود دارد اما به اعتقاد من، ما یک حالت آرامش داریم و به یک رشد سیاسی رسیده‌ایم که می‌نشینیم و پیرامون منافع کشور گفت‌و گو می‌کنیم. مسائل بسیاری هست که می‌توان از همین زاویه به آنها نگریست.

– حتی با حزب‌الله؟

بله، با همه. در نهایت حزب‌الله هم یک حزب سیاسی است که در پارلمان به صورتی دموکراتیک نمایندگانش برنده شده و تعدادی کرسی به دست آورده است. ما باید در این باره مثل همه حزب‌های دیگر رفتار کنیم. از نظر سیاسی با هم اختلاف داریم اما این به معنای آن نیست که گفت‌وگو و بحث را تعطیل کنیم. ما همه در لبنان بر این باوریم که باید بنشینیم و با هم گفت‌وگو کنیم. باید به این گفت‌وگو متعهد باشیم و بر سر راه‌حل‌ها با یکدیگر توافق کنیم. من به همان مساله نخست باز می‌گردم. مشکل ما اساساً از خارج از لبنان می‌آید. وقتی شما از مشکلات طایفه‌ای می‌گویید همین است دیگر. اگر صلح وجود داشت ما به این نقطه نمی‌رسیدیم. هر کسی از این یا آن حزب سیاسی حرف می‌زند اما علت همه اینها فقدان یک روند صلح همه‌جانبه است. قبلاً در اسرائیل کسانی بودند که صلح می‌خواستند. مثل رابین، اما در حال حاضر چنین رهبرانی نیستند. نتانیاهو به صلح اعتقادی ندارد. او کسی است که توافقنامه اسلو را از بین برد.

– نظر شما درباره محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران چیست که یک ماه پیش به لبنان سفر کرد؟

مثل هر رئیس‌جمهور دیگر او هم به لبنان آمد و رفت. هرچه می‌خواست گفت و ما هم هرچه می‌خواستیم گفتیم. من به او گفتم ما نمی‌خواهیم این محوری باشیم که شما درباره آن صحبت می‌کنید. ما موافق آن نیستیم. من به صراحت به او گفتم ما نمی‌خواهیم محور باشیم.

– واقعاً در دیدار مستقیم این حرف را زدید؟

بله. به او گفتم ما اعتقاد داریم که بخشی از اتحادیه عرب هستیم و پیشنهاد صلح عربی در همین بیروت تدوین شده است و ما به آن ایمان داریم.

– آیا جمع کثیری که برای استقبال از او در جنوب بیروت جمع شده بودند شما را آزار نمی‌داد؛ جایی که مرکز اصل حزب‌الله بود چون به نظر می‌رسد امریکا را به شدت برآشفت؟

من یک لبنانی هستم و این مسائل را از زاویه دیگری می‌نگرم. من این موضوع را به شکلی که آنها می‌بینند نمی‌بینم. رئیس‌جمهوری به لبنان آمد و برخی هم به استقبال او رفتند. این چه عیبی دارد؟

– دیدار شما از سوریه چگونه بود؟

من اکنون نخست‌وزیر لبنان هستم و باید روابط خوبی با کشورهای عربی داشته باشم. سوریه نیز یک دولت عربی است. ما احتیاج به گشایش صفحه جدیدی در روابط داریم لذا من اقدام به سفر به آنجا کردم. درآنجا دیدگاهم را نسبت به روابط دو کشور بیان کردم و اینکه دو دولت سوریه و لبنان نیازمند روابطی مبتنی بر احترام متقابل هستند. سوریه بازار خوبی برای لبنان است و مسائل اقتصادی زیادی بین لبنان و سوریه و ترکیه و اردن وجود دارد.

– نقش سوریه را در تحولات لبنان به خصوص در مقایسه با سال ۲۰۰۵ چگونه می‌بینید؟

وضعیت کاملاً فرق کرده است. منظورم این است که طی پنج سال گذشته تنش‌های زیادی بین دو کشور وجود داشت اما امروز این تنش‌ها از بین رفته است. الان روابط خوبی بین دو دولت برقرار است البته به‌رغم اینکه بعضی آن را ضعیف می‌دانند یا معتقدند بین ما و سوریه هنوز تنش‌هایی وجود دارد. اما اینها مهم نیست. هر دو دولت براساس خردمندی عمل می‌کنند و هر وقت موضوع مهمی باشد من با رئیس‌جمهور اسد درمیان می‌گذارم و همه اینها خوب است. از سوی دیگر باید گفت روابط ما با سوریه طی پنج سال گذشته بسیار سخت بود اما امروزه ده‌ها برابر بهتر شده است. بعضی‌ها دوست دارند فراموش کنند که دادگاه درباره ترور باسل فلیحان و جرج حاوی و سمیر القصیر و جبران تویني و پی‌یر جمیل و دیگران نیز تحقیق می‌کند. اینها چهار تن از نمایندگان پارلمان سابق لبنان بودند که ترور شدند اما چنین نیست.

– این ترورها در شرایط کنونی چطور تحلیل می‌شود؟

شما اگر تحلیلی در این باره دارید خوشحال می‌شوم بشنوم.

– حزب‌الله می‌خواهد بگوید «ما نتیجه تحقیقات این دادگاه را نمی‌پذیریم؟»

این درست است. اگر نگاه کنید طی چند ماه گذشته مسائل بسیاری بود که گفته شد اما آنها به صراحت نگفتند می‌خواهند از زبان من چه چیزی را بشنوند. از آن گذشته من احساس می‌کنم که این کار دادگاه بین‌المللی است. این دادگاهی است که سازمان ملل مطابق قطعنامه ۱۷۵۷ آن را به وجود آورد. این دادگاه چیزی را که من بگویم عوض نخواهد کرد اما باید اجازه داد در آرامش به کارش ادامه دهد. باید همه به این آرامش برگردیم. این روش من است. من کسی نیستم که وقتی اسلحه‌ای را به طرفم گرفتند از ترس حرف خاصی بزنم. من چنین شخصی نیستم و این طوری هم کار نمی‌کنم. تحت فشار و تهدید کار نمی‌کنم و تسلیم فشارها نمی‌شوم. اما نگاه می‌کنم که لبنان به چه چیزی احتیاج دارد. به نظر من تنها چیزی که لبنان برای خروج از این بحران دارد ایجاد آرامش است که در آن بتوانیم طی یک دوره با گفت‌وگو به تفاهم برسیم. به راهی دست یابیم که لبنانی‌ها را باهم متحد کند، نه اینکه دچار تفرقه کند.

– از این‌رو همچنان احساس می‌کنید دادگاه وسیله‌ای مشروع و قانونی برای محاکمه قاتلان پدر شماست؟

بله.

– چرا موضع خودتان را از دست داشتن سوریه در این ماجرا تغییر دادید؟

در سال ۲۰۰۵ تنش‌ها و اتهام‌های زیادی بود که من از چپ و راست و وسط و کنار می‌شنیدم. نه از طرف ما که از طرف خیلی‌های دیگر هم این اتهامات مطرح می‌شد. اما به اعتقاد من اتخاذ یک گام شجاعانه و حرکت رو به جلو و اصلاح روابط با کشوری مثل سوریه مساله مهمی بود که باید برداشته می‌شد. من در نهایت همان چیزهایی را گفتم که باید می‌گفتم و به آن ایمان داشتم و همچنان دارم. من همچنان معتقدم سوریه نقش مثبتی در لبنان دارد.

– آیا در گذشته حزب‌الله را متهم به دست داشتن در این ترور کرده‌اید؟

اظهاراتی از من وجود دارد که عکس این را نشان می‌دهد.

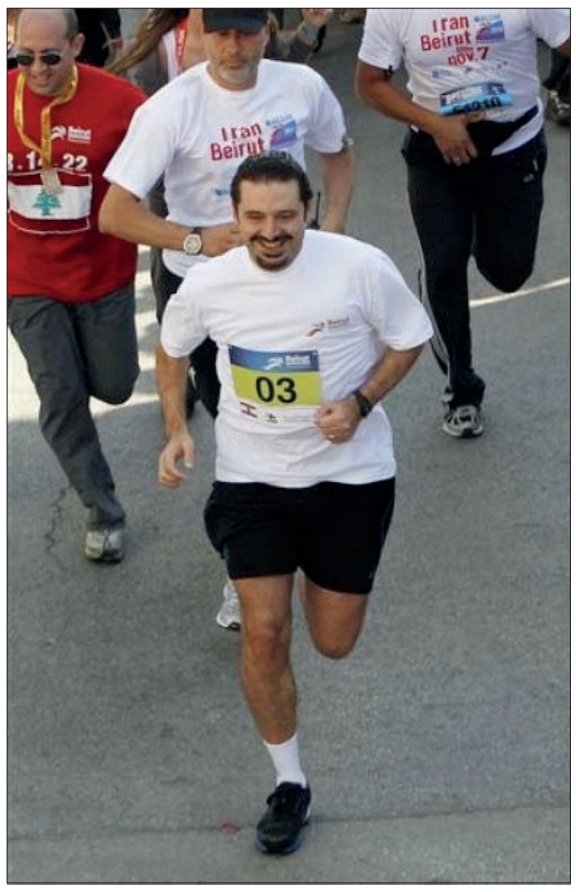

حرف‌های زیادی زده می‌شود اما واقعاً من نمی‌دانم این دادگاه چه کسانی را متهم خواهد کرد.

– حزب‌الله خواستار محاکمه شاهدان دروغین است که در دادگاه عالی محاکمه شوند. اما شما به شدت در برابر این درخواست می‌ایستید؟

من با همه شاهدان دروغین مخالف و خواستار محاکمه آنان هستم. اما می‌گویم باید اینها در یک روند طبیعی در دادگاه عادی نه دادگاه عالی لبنان محاکمه شوند. من باور نمی‌کنم که اینها همان اندازه اهمیت داشته باشند که ترور رفیق حریری یا پی‌یر جمیل و دیگران داشت. از آن گذشته قانون در لبنان چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد و آن را ممنوع کرده است. ما باید به قانون ملتزم باشیم.

– آیا این امکان وجود دارد که ایالات متحده به پشتیبانی جریان ۱۴ مارس برخیزد یعنی به خاطر حمایت از دموکراسی، یا اینکه بخواهد کار شما را آسان کند؟

به اعتقاد من ایالات متحده باید به لبنان کمک کند نه یک حزب یا بخشی از این کشور و این همان چیزی است که واشنگتن در حال انجام آن است. من دوست دارم بگویم امریکا اگر می‌خواهد در این منطقه سرمایه‌گذاری کند باید پیش از آن روی روند صلح سرمایه‌گذاری کند. بهتر است این اصلی‌ترین دغدغه‌اش باشد.

– دور از خانواده چطور زندگی می‌کنید؟

این کار سختی است. بسیار سخت. آنها در ریاض زندگی می‌کنند و من اینجا. چون من می‌خواهم زندگی طبیعی خودشان را داشته باشند. زندگی در لبنان در سایه همه این تهدیدهایی که برخی اوقات دریافت می‌کنیم سخت است. من نمی‌خواهم آنها در بین صدها مامور امنیتی زندگی کنند. این تصمیم دشواری است، برای همین بسیاری از اوقات می‌روم آنجا و می‌بینم‌شان. سعی می‌کنم ماهی یک یا دو بار به دیدن آنها بروم. همسرم و فرزندانم در منزل‌مان آنجا زندگی می‌کنند. خانواده همسرم نیز همان جا زندگی می‌کنند و از زندگی‌شان راضی و خوشحالند.

– چه کسی کارهای اقتصادی و تجاری شما را انجام می‌دهد؟

همه را رها کرده‌ام. فعلاً هرچه را برای کشورم لازم باشد انجام می‌دهم. در حال حاضر برادرم کارهای تجاری مرا دنبال می‌کند و خوب هم آنها را انجام می‌دهد. در واقع او بهتر از من کارها را انجام می‌دهد و من به او افتخار می‌کنم.

– گفته می‌شود شما سیگار کوبایی می‌کشید؟

هوووو.

– و موتورسواری را دوست دارید؟

هارلی! چندتایی از آنها را دارم. قبلاً نمی‌توانستم آنها را سوار شوم. اکتبر گذشته فستیوالی از این موتورها برگزار شد و قرار بود من هم در آن شرکت کنم اما نیروهای امنیتی به من گفتند تو نمی‌توانی. مدل‌های مختلف این موتورها را جمع می‌کنم. بیشتر دوستانم موتورهایشان را در خانه من می‌گذارند تا با هم در جده برویم موتورسواری.

– غواصی و غذا دادن به کوسه‌ها را هم دوست دارید و دیگر چه؟

در جده این کارها را می‌کنیم. اینها اعمال خطرناکی نیست. یک ماهی را در جیبم می‌گذارم. چون ماهی هر حیوان دیگری را دوست دارد.

– شنیده‌ایم غذا پختن را هم دوست دارید؟

من می‌توانم همه غذاها را بپزم. غذاهای هندی، فرانسوی، چینی و عربی.

– کجا اینها را یاد گرفته‌اید؟

از کتاب‌ها. هفته گذشته مهمانی شامی بود که من در آن غذا پختم. یک سینی سعودی بود با برنج و کباب بره. این غذا را من به روش خاص خودم درست می‌کنم.

گزارش

جنگ بین وارثان قدرت در عربستان

در نشستی در قاهره که به بررسی اوضاع عربستان اختصاص داشت، احتمال بروز کودتای بی‌سر و صدا در کاخ سلطنتی عربستان پیش‌بینی شد. به گزارش ایسنا، این نشست که اخیراً تحت عنوان «آینده نبرد سیاسی بین وارثان قدرت در عربستان» در قاهره و با حضور جمعی از کارشناسان و سیاستمداران مصری و عرب برگزار شد، به بررسی مناقشات سیاسی در عربستان پس از سفر اخیر ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه عربستان به واشنگتن برای درمان و اختلافات سیاسی پس از بحرانی شدن وضعیت جسمی پادشاه و ولیعهد عربستان و احتمال فوت قریب‌الوقوع آنها پرداخت. شرکت‌کنندگان در این نشست به نتایجی دست یافته‌اند که ثابت می‌کند با توجه به اخبار و اطلاعات به دست آمده از عربستان، وجود بحران بی‌سر و صدا بر سر حکومت و قدرت بین وارثان حکومت از آل سعود به ویژه با احتمالات موجود مبنی بر مرگ پادشاه ۸۷ ساله عربستان و ولیعهد ۸۴ساله‌اش حتمی است و حتی گفته می‌شود امریکا و اسرائیل در پس این درگیری‌ها قرار دارند زیرا عربستان آن دو را دو هم‌پیمان استراتژیک خود در منطقه می‌داند. به نوشته روزنامه وطن - چاپ امریکا - در نشست قاهره تاکید شده که درگیری بر سر قدرت بین وارثان سعودی در دو جبهه در جریان است؛ ابتدا بین فرزندان عبدالعزیز و دوم بین نوه‌های وی که در جبهه اول فرزندان عبدالعزیز بن سعود هستند، یعنی کسانی که از جناح السدیری باقی مانده‌اند که برجسته‌ترین آنها نایف وزیر کشور و تحت حمایت گروه‌های تندرو عربستان، سلمان امیر ریاض و سلطان باسابقه‌ترین وزیر دفاع در جهان و چه بسا در تاریخ بشریت است که از سال ۱۹۶۲ وزیر دفاع بوده و به سازمان‌های اطلاعاتی غربی و آفریقایی نزدیک است. در جبهه دیگر نیز نوادگان عبدالعزیز بن سعود با یکدیگر درگیر هستند که برجسته‌ترین آنها خالد بن سلطان وزیر دفاع، متعب بن عبدالله که اخیراً به دستور پدرش ریاست گارد ملی متشکل از ۸۰ هزار سرباز را بر عهده گرفت، ترکی الفیصل و بندر بن سلطان است که پس از غیبتی یک‌ساله به دلیل اتهامات وارده مبنی بر تلاشش برای کودتا علیه نظام حکومتی در عربستان از امریکا به عربستان بازگشت. وی که با سازمان‌های اطلاعاتی امریکایی و اسرائیلی رابطه داشته و خدمات مهمی به آنها ارائه کرده با متعب بن عبدالله بر سر رسیدن به قدرت درگیر است و به نظر کارشناسان شرکت‌کننده در نشست قاهره، بازگشت وی به ریاض همزمان با رفتن پادشاه عربستان به امریکا تصادفی نبوده است. به نظر شرکت‌کنندگان در این نشست وضعیت در حال انفجار و در عین حال بی‌سر و صدای جنگ بر سر قدرت در عربستان مورد توجه بسیاری از قدرت‌ها در جهان به ویژه واشنگتن و تل‌آویو است که روابطی استراتژیک با آل‌سعود دارند. شرکت‌کنندگان در این نشست همچنین توجه کشورهای اسلامی به خطر ناشی از جنگ وارثان قدرت در عربستان بر اماکن مقدس این کشور که تحت قیمومیت آل‌سعود و وهابیت است و بازگشت نظارت مسلمانان و علمای مستقل بر این اماکن را خواستار شدند.